

«هو الحکیم»

عنوان:

عزیر نبی نمونہ قرآنی بر تائید رجعت و معاد جسمانی



دکتر باقر پور کاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسِرِ اَيُّهَا صَاحِبُ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۹:

﴿أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ تَسْنَهُ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ

اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿﴾ این آیه‌ی تقریباً طولانی هم هست در مورد عزیر پیامبر هست. ترجمه‌ی آیه که مرحوم آقا شیخ (علامه شیخ مجتبی قزوینی) ترجمه هم نکردن، فقط استناد کردن؛ ترجمه‌ی آیه اینه که: «یا همانند کسی...» همانند اون کسی که عزیر هست پیامبر هست؛

«که از کنار يك آبادی عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن بر روی سقف‌هایش فرو ریخته بود...» یعنی دیوار و سقفش فرو ریخته بود به این صورت بود.

«گفت خداوند چگونه این‌ها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟ پس خدا او را یکصد سال میراند...» قبض روحش کرد، این جناب

عزیر مرد! صد سال!

«و سپس زنده کرد. گفت: چقدر درنگ کردی؟» به عزیر
گفت چقدر فکر می کنی که درنگ کردی یعنی چقدر مردی
به تعبیری؟ «گفت يك روز يا قسمتی از يك روز را درنگ
کردم...» یعنی يك ۲۴ ساعتی یا يك ۱۲ساعتی مثلاً.
«فرمود نه! بلکه یکصد سال درنگ کردی! به غذا و نوشیدنی
خود نگاه کن، تغییر نیافته!» ببینید قدرت خدا رو! این آخرش
خیلی مهمه!

﴿اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ عزیر، صد سال مرد!
نوشیدنی ای داشت، تو يك نقلی هست يك شیری داشت،
مشروباتی داشت، ماکولاتی داشت! مشروب نه از اون
مشروبها! یعنی نوشیدنی و خوردنی داشت؛ اینها رو صد
سال خداوند فاسد نکرد! حفظشون کرد، اینها سالم موند!
گفت نگاه کن به غذا و نوشیدنی نگاه کن تغییر نیافته!
«و به الاغ خود نگاه کن...» این الاغه رو دید بابا الاغه
استخوانهاش که دیگه متلاشی شد این الاغ! «و تو را نشانه و
حجتی برای مردم قرار می دهیم. به استخوانهایش بنگر...»

یعنی به استخون‌های این الاغ خودت به این مرکب خودت
بنگر؛

«که چگونه آن‌ها را، به هم پیوند می‌دهیم، و بر آن گوش
می‌پوشانیم. پس هنگامی که آشکار شد، گفت می‌دانم که
خداوند بر هر کاری قادر و تواناست.»

این الاغ رو دید به اذن الله این خاک‌ها و این‌ها تبدیل به
استخوان، استخوان‌ها به هم چسبید و گوشت روئیده شد،
شد جناب الاغ! بعد از صد سال! خودش هم که زنده شد،
مآکولات و مشروباتش هم که سالم بود!
چند تا بحث هست این‌جا! یکی قدرت خدا! یکی بحث معاد
مطرح می‌شه؛ معاد جسمانی و عنصری، خودش و الاغش، هر
دو برگشتند! و این‌جا يك شاهد هست بر بحث رجعت هست!
ببینید در بحث رجعت چیه؟ روح جناب عزیر رفته عالم برزخ
دیگه! مرده! خب در رجعت هم همین هست!
ارواحی که در عالم برزخند، حالا چه ماحض کفر چه ماحض
ایمان، تعلق به همین بدن عنصری و مادی می‌گیرن. پس
نمونه‌اش در قرآن هست، ماجرای عزیر پیامبر!